

زیست جهان پروین اعتصامی

علیرضا قبادی^۱
روفیا ابوترابی^۲

چکیده

در شرایط اجتماعی - فرهنگی پروین عواملی وجود دارد که دقیقاً از شرایط ایرانی با توجه به رخدادهای تاریخی و استنباط مردم عوام و قشر نخبه‌اندیش جامعه نشأت گرفته است. پروین در بعضی اشعارش به نقد فرهنگ نخبه می‌پردازد و خود را به فرهنگ عامه نزدیک می‌کند. اما در بعضی اشعارش از سواد و آموزش حمایت می‌کند. ارزش‌های حاکم بر جهان شاعر خود را بر جهان حیاتی او تحمیل می‌کنند و به ناچار شاعر در جایی سکوت می‌کند یا به ادبیات گریز روی می‌آورد، در جایی تقدیر را می‌پذیرد که این تقدیرگرایی او را به فرهنگ طبقه متوسط نزدیک می‌کند گاهی هم شیوه زندگی عامه را بیان می‌کند و گروه‌های حاشیه‌ای و فرهنگشان را در اشعارش نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: شرایط فرهنگی - اجتماعی، زیست جهان پروین، اشعار پروین، فرهنگ

عامه

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان al_ghobadi@yhoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی roofiya_668@yhoo.com

مقدمه

از آغاز دوره مادها تا دوران حکومت پهلوی بالاترین مقام را شاه در جامعه ایران ایفا کرده است و در طرف دیگر مردم، رعیت بوده‌اند. جامعه به دو قطب دوگانه تقسیم می‌شد و فرهنگ طبقه مسلط، فرهنگ تمام طبقات را تحت الشعاع قرار می‌داد. در دوره پس از اسلام شعر و ادبیات مختص درباریان بود چون لازمه تولید ادبی به عنوان یک کالای فرهنگی وجود مصرف‌کنندگان ادبی است و چون قاطبه مردم در آن زمان بی‌سواد بودند، شاهان و درباریان تنها مصرف‌کنندگان محسوب می‌شدند و شاعران و هنرمندان به ناچار تولید ادبی خود را به شاهان و سلاطین می‌فروختند. اما از میان این هنرمندان و شاعران، کسانی بودند که آرزوهای طبقات محروم را بازگو می‌کردند و با نصایح اخلاقی و طنز خود در مقابل ظلم و ستم و بیداد شاهان می‌ایستادند. حملات و چپاول پی در پی مهاجمان بیگانه در طول تاریخ این سرزمین و فقدان اشرافیت زمیندار باعث گسست تکامل اجتماعی شد و بازتاب این بحران‌ها و تحولات اجتماعی به شعر و ادبیات راه یافت.

تولیدات ادبی از جمله مهمترین عناصر مفید برای مطالعه شرایط اجتماعی - فرهنگی یک جامعه است، چون هم شرایط اجتماعی فرهنگی جامعه، شاعر را به انجام تفکر اجتماعی فرهنگی رهنمون می‌سازد و همین که خود شاعر در چنین جهتی به ارایه طریق روشنفکرانه در جامعه مبادرت می‌ورزد.

طبق گفته هوسرل جهان زندگی، حیات عادی و روزمره ما در این جهان است که در خلال آن خود را در هر لحظه زندگی خویشتن می‌یابیم. واقعیاتی که در این جهان با آن روبرو هستیم دارای معانی بشریند، در این جهان هر چیز همانگونه که هست به چشم می‌آید و تجربیات ادراکی ما در سطح ماقبل علمی به همانگونه که جهان خود را به ما نشان می‌دهد، در ذهن ما انعکاس پیدا می‌کند. جهان حیاتی، جهانی است که از چشم‌انداز کنشگران ادراک می‌شود و جهان حیاتی پروین از طریق شعرهایش که چشم‌انداز او به جهان است، قابل بررسی و ادراک می‌باشد. می‌توان گفت ارزش‌های حاکم بر جهان شاعر خود را بر جهان حیاتی او تحمیل می‌کنند و به ناچار شاعر

سکوت می‌کند یا به ادبیات گریز روی می‌آورد، گاهی تقدیر را می‌پذیرد که این همان مفهوم جهان حیاتی است که چارچوب فرهنگی و از پیش تعیین شده زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر افکار و کنش‌های کنشگران را در بر می‌گیرد. یعنی الگوهای اعتقادی و کرداری که فرهنگ تجویزشان می‌کند از طریق اجتماع انتقال می‌یابند. عناصر سازنده فرهنگ در جهان حیاتی، از نظر زمانی پیش از ما وجود داشته و بعد از ما نیز وجود خواهند داشت. این تقدیرگرایی‌های پروین، سکوت‌ها و گریز زدن‌ها، او را به فرهنگ طبقه مسلط نزدیک می‌کند و در نتیجه ایده‌های نو فرهنگی را می‌پذیرد. چارچوب فرهنگی که از بیرون به فرد تحمیل می‌شود، ساخت فردی و جاری واقعیت را در بر نمی‌گیرد بلکه در جهت مقید ساختن کنشگران و اعمال محدودیت‌هایی بر رفتار روزانه‌شان، عمل می‌کند. این چارچوب، مسیرهای کنش از پیش آماده شده، راه حل‌ها و تفسیرهایی از جهان اجتماعی و نظایر آن را در اختیار کنشگران می‌گذارد.

پروین پس از انقلاب مشروطه و در دوران رضاشاه اشعاری در نقد شرایط آن دوران سرود. برخی کنش‌های پروین در مقابل ایده‌های فرهنگی «مدرنیته» رضاشاهی شکل گرفت و تجربه زیست شده جهان حیاتی او از فهم «مدرنیته» آن زمان بود. در برخی از اشعارش او نظام فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای مدرن را تأیید و در برخی دیگر تسلط نظام بر جهان حیاتی‌اش را نقد می‌کند. جامعه نوین دستخوش بحران‌هایی است و نهادهایی چون دولت و اقتصاد برای مقابله با این بحران‌ها کنش‌هایی را انجام می‌دهند که بر جهان حیاتی کنشگرانی چون پروین تأثیر ناخوشایندی می‌گذارد و او با نقد این کنش‌ها می‌خواهد شکاف بین جهان حیاتی و نظام را پر کند و آن را به عنوان یک کنشگر، به یکدیگر نزدیک‌تر کند.

آثار پروین در شرایطی به عینیت درآمد که مخاطبانی را برای مصرف ادبی به وجود آورده است. پروین اولین زن شاعر رسمی است و آثارش نشانگر نفوذ اجتماع و بازتاب درخور توجه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌هاست. آثار پروین اعتصامی حاصل تجربه زیست او در خلال شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر خویش است. در شرایط اجتماعی و فرهنگی پروین، عواملی وجود دارد که دقیقاً از شرایط ایرانی با توجه به رخدادهای تاریخی و استنباط مردم عوام و قشر نخبه نشأت گرفته است. همان طور که

روژه باستید می گوید «هنر بسی بیش از آن که به عنوان مخالف جلوه کند، اغلب تجلی گریز است، پناه بردن به دنیایی آرمانی است.



در این حالت بازی عبثی می نماید که به هیچ روی بازتاب جامعه نیست. آری، این واقعیت است. اما در کدام لحظه تاریخی هنر بدین گونه برای اذهان آدمی شیر اطمینان می شود؟ آیا شرایط اجتماعی نیستند که بیانگر این پدیده گریز از واقعیت اجتماعی؟» (باستید، ۱۳۷۴: ۲۳۷)

پروین در شعرهایش ستمکاری را بسیار نکوهش کرده و در آنها ظالم را به گرگ و مظلوم را به بره تشبیه کرده است. در شعر «اشک یتیم»، پادشاه از تبار گرگ است یا در شعر «برگ گریزان»،

ستمکاری را آیین گرگ می داند. او در این شعر مستقیماً نظام سیاسی را مورد خطاب قرار می دهد.

جهان حیاتی پروین

جهان حیاتی پروین چشم انداز درونی شاعر است، کنشگری که جامعه، مردم و فضای حاکم بر آن را از چشم خود درک می کند. در جهان اجتماعی او نظام های اجتماع، فرهنگ، شخصیت و ارگانیسم رفتاری ریشه دارند. جهان حیاتی او از فرهنگ، جامعه و شخصیت تشکیل شده است. این سه عنصر به ترتیب به الگوهای تفسیری یا مفروضات زمینه ای درباره فرهنگ و تأثیر آن بر کنش، الگوهای مناسب روابط اجتماعی (جامعه) و هویت آدمها (شخصیت) و گرایش های رفتاری شان ارجاع دارند. درگیر شدن در کنش ارتباطی و حصول توافق بر مبنای هر یک از این مضامین، به تولید جهان حیاتی از طریق تقویت فرهنگ، یکپارچگی جامعه و شکل گیری شخصیت می انجامد. (ریتزر، ۱۳۸۲: ۷۳۶)

جهان زندگی هر روز هر یک از ما در «مناسبات» عادی با افراد دیگر قرار دارد. این

نوعی شیوه پذیرش چندگانگی از سوی ماست، بویژه شیوه‌ای که از یک جهان معنایی به جهان معنایی دیگری گذر می‌کنیم؛ جهان زندگی روزمره پروین کم و بیش در شعرهایش نمود دارد. ما به منظور درک و نفوذ به درون آگاهی فرد سعی می‌کنیم به عینیت و بی‌طرفی کامل دست یابیم. برای این منظور باید خود را از چنگ جانبداری‌های خویش رها سازیم و با نوعی همدلی خود را در «دنیای» اثر غرق کنیم و با کمال دقت و نهایت بی‌تعصبی هر آنچه را می‌بینیم بازسازی کنیم. (احمدی، ۱۳۸۵: ۵۵۱)

واقعیت‌های معانی تنها در ذهن افرادی چون پروین است که آن را می‌سازند و با آن سر و کار دارند. ما به دنبال کشف جهان زندگی، حیات عادی و روزمره او در این جهانیم که در خلال آن او خود را در هر لحظه زندگی خویشتن می‌یابد، واقعیاتی که در این جهان با آن روبرو شده است دارای معانی بشریند، در این جهان هر چیز همانگونه که هست به چشم او آمده و تجربیات ادراکی او در سطح ماقبل علمی همانگونه که جهان خود را به پروین نشان داده، در ذهن او انعکاس پیدا کرده است. از نظر هوسرل جهان به صورتی که آگاهی معنابخش مستقیماً به آن معطوف شود جهان زندگی خواننده می‌شود. تجربه ما از این جهان (روزمره زندگی) یک ادراک ساده و غیر علمی است و همین انعکاس ساده جهان در ذهن ما است که مقدمه و مبنای علم تحقیقی است، آن هم به صورتی که ما را به درک بی‌واسطه ذات اشیا و توصیف محض این ذات‌ها آن طور که در برابر جریان ساده وجدان ما پدیدار می‌گردند، هدایت می‌کند. (توسلی، ۱۳۷۴: ۳۵۵)

عناصر سازنده فرهنگ در جهان حیاتی، از نظر زمانی پیش از ما وجود داشته و بعد از ما نیز وجود خواهد داشت. این چارچوب فرهنگی که از بیرون به ما تحمیل می‌شود، ساخت فردی و جاری واقعیت را در بر نمی‌گیرد بلکه در جهت مقید ساختن کنشگران و اعمال محدودیت‌هایی بر رفتار روزانه‌شان، عمل می‌کند. ما برای شناخت سخن پروین باید او را بشناسیم، اما برای شناخت او باید سخنش را شناخت. این دایره شناخت است، مفهومی که امروزه دایره هرمنوتیک خواننده می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۵: ۵۲۷)

هنگامی که متن اشعار پروین را از نظر می‌گذرانیم ارتباط برقرار می‌شود و تفسیر واقعیت از ارتباط با اشعار به وجود می‌آید اما به عنوان یک راه حل، این یک تصادف است. به علاوه، باید بر فهمی که ارتباط برقرار می‌کند تأکید کرد، هیچ شخصی متن را انتقال نمی‌دهد. آگاهی و ارتباط مثل ساختار حوادث در فیزیک و نظام اجتماعی به طور نسبی اتفاق می‌افتد که ناشی از تأثیرات آثار نفوذناپذیر یکدیگر هستند.

شناوری دیدگاه پروین میان فرهنگ نخبه و فرهنگ عامه

در تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ طبقات و اقشار جدیدی به وجود آمد. این فرایند تاریخی - جهانی به طیف متنوعی از خیال‌ها و ایده‌ها دامن زد که موجب تغییر و تحول دایمی ارزش‌ها و هنجارهای کنشگرانی مانند پروین شد. بین آن سال‌ها ساختار اجتماعی ایران به سرعت تغییر کرد و در نتیجه پیدایش حرفه‌ها و مشاغل جدید و مهاجرت کارگران به نقاط دیگر، الگوهای دیرپای زندگی از هم گسیخت. مهم‌تر از همه اینها پدیده شهرنشینی و حرکت جمعیت روستایی به شهرها، در واکنش به شایعات مربوط به فرصت‌های بهتر برای زندگی بود. شهر تهران بخصوص شاهد آغاز آن بود. این تحولات با جابجایی‌ها و تنش‌های خانوادگی و شخصی عظیمی همراه بود، اما برای نخبگانی که به تازگی سر بر آورده بودند، منافع مادی هنگفتی به همراه داشت. ثروتمندان بی‌تردید ثروتمندتر شدند، زیرا افسران تن‌آسای ارتش، بوروکراسی و طبقات کارفرمایان نوکیسه، زیر پوشش چتر حمایتی شاه که مدام خودکامه‌تر و تنهاتر می‌شد، کاملاً شکوفا شدند و به منتفع شونده‌گان اصلی حکومت پهلوی تبدیل شدند. (همبلی و دیگران، ۱۳۷۲: ۳۶) این زندگی جدید، امکان برآمدن ایده‌ها و خیال‌هایی را به وجود آورد که سعی می‌کردند مردان و زنان را به سوژه‌ها (فاعلان) و همچنین ابژه‌های (موضوعات) مدرنیزاسیون بدل سازند و به آنان قدرت تغییر جهان را عطا کنند- همان جهانی که در کار تغییر آنان است- تا شاید از این طریق بتوانند از دل گرداب گذر کرده و آن را از آن خویش سازند. (برمن، ۱۳۷۹: ۱۵)

در عصر پروین سه چهارم مردم ایران کشاورز و عشایر بیابانگرد بودند. به رغم آغاز

فرایند شهرنشینی، تناسب جمعیت شهر و روستا در دوران پهلوی تغییر عمده‌ای نکرد. کشور در اختیار هیئت حاکمه ملاک و زمیندار باقی مانده بود که در رأس آن پادشاهی قرار داشت که با حرص و ولع بسیار املاک وسیع را از طریق مصادره از اشخاص و موقوفات تصاحب و گاهی آنها را میان امرا و افسران ارشد مجدداً توزیع می‌کرد.

پروین در بعضی اشعارش به نقد فرهنگ نخبه می‌پردازد و خود را به فرهنگ عامه نزدیک می‌کند و در بعضی اشعارش از اصلاحات، سواد و آموزش حمایت می‌کند. او در شعر «فرشته انس»، «گنج عفت» و دیگر اشعارش علم و تحصیل را می‌ستاید و در شعر «آرزوها» به وضوح عشق به علم را نشان می‌دهد.

دولتمردان و طبقه حاکم در عصر پروین در اشعارش نمود خاصی دارند. طبقه اغنیا در اشعارش چنین توصیف می‌شوند: با در اختیار گرفتن امکانات طبیعی، اقتصادی و اعمال فشارهای اقتصادی شدید بر مردم با گرفتن باج‌ها و مالیات‌های سنگین عرصه را بر مردم تنگ کرده و مدام پر قدرت‌تر می‌شوند و طبقه رعیت و فرودست را ضعیف‌تر می‌کنند:

از تشنگی کدو بنم امسال خشک شد آب قنات بردی و آبی به چاه نیست
سنگینی خراج به ما عرصه تنگ کرد گندم زر است، حاصل ما غیر کاه نیست
اندیشه روشنگری در پی برقرار کردن سلسله مراتب‌هاست در نتیجه این بحث
گسترش می‌یابد که بین سلسله مراتب معرفتی و سلسله مراتب اجتماعی رابطه پیدا
می‌شود. این اندیشه واقعیات را وارونه جلوه می‌دهد و هنر و ادبیات را برای سرگرمی
می‌آفریند تا نیازهای کاذب تولید شده را ارضا کند. آثار پروین در تقابل این اندیشه قرار
می‌گیرد و هنرش بازتاب جرح و تعدیل شده واقعیات است. تقابل‌ها و گفتگوهای
است که بین عناصر این سلسله مراتب اجتماعی در شعرش قرار دارد. پروین ساخت
دنیای مدرن را وارونه کرده و ساخت و جهان دیگری را پی ریخته است.

پروین در مناظره و گفتگوهایی که بی‌شبهت به جدل و به رخ کشیدن توانگران بر ضعیفان نیست، جانب حق را به ضعف می‌دهد و ریاکاری و تزویر را نیز نوعی ستم می‌داند که در جامعه ایرانی رسوخ پیدا کرده و افراد جامعه آن را درونی کرده‌اند. پروین با نصایح اخلاقی و گاه تاختن به این معضل اجتماعی آن را نقد می‌کند و از توان

توصیف فقر که یکی از واقعیت‌های اجتماعی است به خوبی برمی‌آید. اشعار او انعکاس واقعیات اجتماعی است و هرگز در محتوای شعرش به هماهنگی که شرط زیبایی‌شناختی است نپرداخته بلکه بر تضادها انگشت گذاشته است. شعر او تجلی تضادهاست. او آسایش طبقات مرفه، اغنیا و توانگران را در گرو رنج و ظلم، گرسنگی، نداشتن پوشاک یا درمان به خوبی در شعرهایش بیان می‌کند. او با نصایح اخلاقی خود عاقبت ستمگرانی چون انوشیروان یا هرمز را متذکر می‌شود و بر بی‌عدالتی‌ها عصیان می‌کند. محور شعرهای پروین همواره حاشیه‌نشینان جامعه‌اش هستند. تجربه حیات اجتماعی‌اش نیز به این همدلی کمک کرده است. «اگر پروین اعتصامی پشت پرده‌های اجتماعی بینوایی و تهیدستی را بازنیافته باشد، ریشه آن اینجاست که در پی درد و رنج فیزیکی خود نمی‌توانسته بسراید و به جهان بینش خود دست یابد. دل وی برای مردم بی‌حق و حقوق می‌تپید، او می‌دانست که حال و روز ناپذیرفتنی روزگارش، برآیند تضادهای اجتماعی است.» (علوی، ۱۳۸۶: ۳۰۲)

او به پیرزنان، دخترکان، یتیمان، زحمتکشان و دهقانان اشاره می‌کند و در قالب صنعت تشخیص^۱ برای اشیا و طبیعت، محرومیت حاشیه‌نشینان را شخصیت‌سازی می‌کند. اشعار پروین کنش‌های او را از این تحولات منعکس می‌کند. در اشعار او به طور کلی به دو طبقه برمی‌خوریم طبقه غنی و فقیر، سپس به دهقانان، زحمتکشان، یتیمان، دخترکان، پیرزنان، پیرمردان و در برابر آنان والیان، قاضیان، پادشاهان، توانگران، محتسب‌ها، داروغه‌ها و دزدان؛ در اشعار «تهیدست»، «مست و هشیار»، «صاعقه ما ستم



اغنیاست»، «بی‌پدر»، «شکایت پیرزن» می‌توان این طبقات را مشاهده کرد. در شعر «تهیدست»، او تصویر دخترکی بینوا و تضاد میان دو طبقه فقیر و غنی را

1. personification

ترسیم کرده است. در این شعر، دخترک بینوا مادرش را از دست داده است و در یک مهمانی شرکت می‌کند. پروین به خوبی نشان می‌دهد که دخترک وضع اقتصادی مناسبی ندارد؛ شلوارش وصله‌دار، موهایش ژولیده و در ایام عید بدون لباس نو می‌باشد، همچنین به حمام نرفته و دختران دیگر او را مسخره می‌کنند. در شعر «صاعقه ما ستم اغنیاست» رنج زحمتکشان را توصیف می‌کند و زحمت را از آن آنان می‌داند و حاصل آن را از آن اغنیا و تعارض طبقاتی را به شکل ملموس به تصویر می‌کشد. در شعر «دو قطره خون» جهان‌آگاهی او از واقعیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، پروین در این روزگار که دین از رونق افتاده بود با تأثیرپذیری از ارزش‌های دینی بر ضرورت دین تأکید می‌کند.

در آن دوره دستگاه اداری سستی بر پایه روابط بین اشخاص قرار داشت: مقامات مهم را با تقدیم پیشکشی می‌خریدند، نه کارمند دولت به معنی واقعی وجود داشت و نه هیچ‌گاه حقوق کارمندان به طور منظم پرداخت می‌شد. اصلاحات اداری که در ۱۹۲۲ آغاز شد بر اساس استخدام کارمندان بر حسب صلاحیت و انضباط قرار داشت و حقوق و مزایای آنان طبق الگوی اروپایی بر حسب رتبه پرداخت می‌شد. حقوق کارمندان بسیار ناچیز بود و به رشوه‌خواری در کلیه سطوح دوام می‌بخشید. (پیردیگارد و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۰۴) او بارها در اشعارش رشوه‌خواری را محکوم کرده است، نمونه آن را می‌توان در شعر «دزد و قاضی»، و «مست و هشیار» مشاهده کرد:

گفت هان برگوی شغل خویشتن
گفت هستم همچو قاضی راهزن
گفت آن زرها که بردستی کجاست
گفت در همیان تلبیس شماست



پروین هرگز در شعرهایش به دوران باستان افتخار نکرده و اغلب پادشاهان دوران باستان را مستبد جلوه داده است. قباد در شعر «حکایت پیرزن»، کسری در شعر «دزد و خانه» و «گنج ایمن» افرادی مستبد نشان داده شده‌اند. پادشاهان، طبقه با نفوذی تصویر می‌شوند که باعث قوی‌تر و غنی‌تر شدن طبقه خود و ضعیف‌تر شدن فقرا، رعایا و رنجبران می‌شوند. زحمتکشان و غمخواران همیشه

باید در زحمت و رنج باقی بمانند و امکانات جامعه همه در اختیار طبقه مرفه قرار بگیرد.

پروین از اولین شاعران زن است که از حقوق اجتماعی - فرهنگی زنان در دوره متحجر خود دفاع کرده است. پروین از تغییرات در امور زنان حمایت می‌کند، در شعرهای «فرشته انس» و «گنج عفت» این حمایت دیده می‌شود. پروین در شعر «گنج عفت» حجاب را عقیف بودن می‌داند و راه نجات زنان را تحصیل علم و فضل می‌داند. پروین در شعر «فرشته انس» زن را مظهر انس و شفقت و رکن خانه هستی می‌داند. او می‌گوید این زن است که سختی‌ها را تحمل می‌کند تا راه زندگی روشن شود. اگر افلاطون و سقراط افراد بزرگی بودند، در کودکی پرستار آنان زنان بزرگی بوده‌اند. پروین برای زنان نقشی والاتر از آن قائل است که خود را اسیر تعلقات دنیوی کنند. شاعر بر زن‌ها به علت این که عمرشان را در راه ظواهر طی می‌کنند اظهار تأسف می‌کند.

فرهنگ عامه و فرهنگ نخبه در اشعار پروین

اشعار «مناظره»، «تهیدست»، «شکایت پیرزن» از انواع اشعاری هستند که در مجموعه اشعار مربوط به فرهنگ عامه پروین می‌توان از آنها نام برد:

تهیدست: پروین در این شعر به خوبی فقر را بیان کرده است، اما ارزش‌های فقرا را چنین تقریر می‌کند که هیچگونه شکایتی از شرایط زندگی خود ندارند و فقر را سرنوشت خود می‌دانند:

تلخ بود آنچه به من نوشاندند / می‌تقدیر نباید نوشتید

تمام درها به روی فقیران بسته است. این توصیف شرایط کسانی است که از حداقل ضروریات و استانداردهای زندگی محروم‌اند و در تنگنا قرار دارند، اما آنان فقر را ناشی از سرنوشت خویش می‌دانند. دخترک تهیدست به سوی برهوت طبیعت اجتماعی نشده رانده شده و وضعیت حاشیه‌ای فقر او را احاطه کرده است. پروین نوسازی دروغین و نویدهای کاذبی را که مدرنیته می‌دهد پیش چشم می‌آورد، او با به تصویر کشیدن این معضل نشان می‌دهد که چگونه مدرنیزاسیون نتوانسته است به شکل ریشه‌ای بهبودی در طبقات پایین و حاشیه‌ای ایجاد کند اما در این شعر او راه حلی ارائه نمی‌دهد.

مناظره: در این شعر مشخص است که پروین صبر و سکوت و اعتقاد به تقدیر و تسلیم در برابر قضا و قدر را کنار گذاشته است. تقدیرگرایی که یکی از ارزش‌های فرهنگی فقر دهقانان و طبقات پایین است، در این شعر به طور واضح به نقد کشیده می‌شود. افراد فقیر چون دهقانان و طبقات حاشیه‌ای رشد‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که اساساً مبتنی بر شرایط محرومیت‌آوری است که در آن زندگی می‌کنند. فقیران در ارزش‌هایی رشد می‌کنند که باید فقر را بپذیرند و آنان احساس می‌کنند که در شکل‌گیری آن هیچ نقشی ندارند و از اراده آنان تغییر چنین شرایطی خارج است. این ارزش‌ها، زمینه غیرعقلانی شدن شرایط زندگی را فراهم می‌کند و در میان شرایطی رخ می‌دهد که فرایند مدرنیزاسیون صورت می‌گیرد. این فرایند باعث عمیق شدن شکاف‌های طبقاتی بین اغنیا و ضعفا می‌شود و بهبودی در وضعیت طبقات زحمتکش ایجاد نمی‌کند. پروین دنیا را واژگونه می‌بیند، او با واژگونه دیدن این دنیا، آن را درست می‌نگرد، زیرا در واقع دنیا واژگونه است. شخصیت اصلی او در شعر «قطره‌خونی» است که از پای کارگری فرو می‌افتد. این شخصیت‌های پنهان در شعر، کسانی هستند که برای احیای آرمان‌شهر، علیه نظم اجتماعی این دوره و در جهت نفی آن می‌کوشند.

شکایت پیرزن: در این شعر از آنچه که در اشعار قبل دیده می‌شد خبری نیست، به عبارتی تقدیرگرایی نفی شده است، در این شعر، شکایت کردن فقرا و روح پرسشگری و تفکر برهانی داشتن به فقرا نشان داده می‌شود. در این شعر نمادهایی که بازگوکننده عصر باستان است زیر سؤال رفته که بیانگر ادبیات گریز است؛ شاعر از بعد مکان و زمان خود کنده شده اما به درون‌گرایی انتزاعی رجوع نکرده است بلکه با نمادهای ملی‌گرایی عصر رضاخانی مقابله می‌کند. ایدئولوژی‌سازی نظام برای خروج از بحران همبستگی‌های جمعی و بیگانگی‌های برآمده از فرایند نوسازی دلیل توسل به عصر باستان بود. پروین از قباد نام می‌برد و این نمادها را واژگونه می‌کند. در این شعر افکار و اندیشه‌های او تحولی ژرف پیدا کرده است و او بر اعتراض و شکایت فقیران تأکید دارد.

اشعار «اشک یتیم»، «دزد و قاضی»، «گرگ و شبان»، «گرگ و سگ»، «سر و سنگ»،

«دیوانه و زنجیر»، «مست و هوشیار» از جمله اشعاری هستند که در مجموعه فرهنگ نخبه قابل بیان می‌باشند:

اشک یتیم: در این شعر پروین به نظام سیاسی توجه کرده و رابطه شاه را با توده مردم به چوپان و گله تشبیه کرده است؛ چوپانی که چوپان نیست بلکه گرگی است که لباس چوپان بر تن کرده است. تقابل‌های دوگانه گرگ و چوپان و سگ و گرگ با یکدیگر و گله یعنی مردمی که آگاهی ندارند که حتی تاج شاهی را تمیز دهند. پروین از زبان پیرزن سخن می‌گوید و شخصیت اصلی او پیرزن است که جهان «ایدئولوژیک» را به هم می‌ریزد و علت گرگ بودن پادشاه را در غارت اموال مردم و رعایا فاش می‌کند. در این شعر مخاطب پروین فقط شاه نیست بلکه نادانی و ناآگاهی مردم هم هست، مردمی که عادت به زندگی سنتی دارند و علاقه‌ای به مسائل اجتماعی نشان نمی‌دهند. در شعر، گله، کلمه‌ای پنهان است؛



نمادی از مردمی منفعل و جاهل که به عقلانیت نرسیده‌اند که خود تعیین کننده سرنوشت خود باشند، این مردم فرهنگ کهنه خود را دارند و می‌خواهند چوپان برای آنان تصمیم بگیرد، یک نوع گریز از آزادی در آنها موج می‌زند و فرهنگ مسئولیت‌گریزی در آنها شکل گرفته است و از ضعف چنین فرهنگی رهبرانی پیدا می‌شوند که چون گرگ این گله را می‌درند و به فکر منافع خویش می‌باشند. در عصر او شاهانی چون رضاشاه می‌زیند که املاک روستایی‌ها را تصاحب می‌کنند و جزو اموال شخصی خود به حساب می‌آورند. جامعه پروین جامعه‌ای است که دارای خصیلت غیر سیاسی است، نیروهای اجتماعی دعوی پیگیری علایق عمومی جامعه را ندارند و این بستگی به علل و عوامل مختلفی از جمله فرهنگ جامعه دارد. فرهنگ جامعه به عنوان مجموعه نگرش‌های جا افتاده و مستقر و قدیمی یا الگوهای تفکر، احساس،

ارزش‌گذاری و عمل است که مستمراً از نسلی به نسل دیگر انتقال داده می‌شود و در نحوه عملکرد نیروهای اجتماعی مؤثر است. فرهنگ سیاسی آن جامعه فرهنگی است مبتنی بر ارزش‌های قبیله‌ای که بر اساس نظام روابط خونی، خانوادگی، وابستگی‌های خاکی، ثروت زمینی، روابط پدرسالاری و ایلیاتی است که بر عدم‌خلافت فکری و عدم پی‌جویی علل واقعیات اجتماعی و ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی و ملی و حیات اجتماعی پی‌افکنده شده است. گله، چوپان و گرگ نمادهای شیوه معیشت این نظام هستند که در محدوده چراگاه زیست می‌کنند.

دزد و قاضی: دزد و قاضی نمادهای این شعر هستند که از تقابل‌ها سخن می‌گویند. رابطه قاضی با دزد مقابل یکدیگر است، قاضی دزد را محکوم می‌کند و هیچ‌گونه سنخیتی بین آن دو نیست و هرگز یک قاضی دزد نمی‌شود چون در مسند قضاوت نشسته است و دزد نیز در اموری مشغول است که به جامعه آسیب می‌رساند، نه در امور قضاوت که جامعه را از آسیب‌ها مصون می‌سازد. پروین با نگاه کردن به این نمادها آنها را وارونه و شالوده‌شکنی می‌کند.

گرگ و شبان، گرگ و سگ: در این شعر دیگر چوپان همان گرگ نیست که به لباس چوپانی درآمده بلکه، چوپان به خواب غفلت رفته است. قدرت سیاسی و شاه به دام دیوان افتاده است. او از رسم سیاست و سیاست‌مداری هیچ‌گونه آگاهی ندارد و به دانش سیاست مجهز نیست. پروین رسم مملکت‌داری و سیاست‌مداری را به حاکمان گوشزد می‌کند. گرگ در این شعر نماد آز است که در دوره پروین، بیگانگان آن را برتن کرده و به خاطر منافع خود در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند. در این شعر انفعال ایرانیان نیز نشان داده شده است که به گونه‌ای سطحی و فرمایشی با دشمن می‌جنگند و قدرت سیاسی به ناچار پایگاه نظامی خود را از دست می‌دهد و به دامن اجنبی می‌افتد. در شعر «گرگ و سگ»، سگ نماد قدرت سیاسی جامعه است. در هر دو شعر، رسم و آیین مملکت‌داری به حاکمان گوشزد شده است. این دو شعر احوال مردمی است که تمام تکلیف دیگری را پذیرفته‌اند و باب چون و چرا را یک بار و برای همیشه بر روی خویش بسته‌اند، به عبارت دیگر حریم حکومت با وجود همه وسعتش حرمت خود را

حفظ کرده است و هر کس که بر تخت فرمانروایی تکیه می‌زند در مقام عزت و حصن و حصین دولت و دستگاه جای می‌گیرد.

مست و هوشیار: وقتی قدرت سیاسی ایران در طول تاریخ از عهد باستان تا قاجاریه دارای پایگاه عشیره‌ای بوده است چگونه می‌تواند فرهنگ سیاسی این کشور از آن تأثیر نپذیرد و فرهنگ گله و رمه براساس یغماگری و راهزنی و دادن هدایا و تحفه و تمجید و ستایش و شعرخوانی، مدیحه جهت باج سبیل رئیس قبیله رواج نیابد؟ پروین در این شعر تمام حوزه‌های سیاسی، حاکمیت، قضایی و اجتماعی را زیر سؤال می‌برد. او شارعان، والیان و قاضیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. سودجویی نامشروع شارعان در کلامش پیداست:

دیناری بده پنهان و خود را وارهان

گفت کار شرع، کار درهم و دینار نیست

یا:

گفت می‌باید تو را تا خانه قاضی برم

گفت رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست

در نهایت متذکر می‌شود که جامعه آن دوره از مسیر عقلانیت خارج گشته است و کسی در طریق عقل پا نمی‌گذارد. افکار عمومی توده مردم رشد نکرده و رفتار این جامعه رفتار ایلی و قبیله‌ای و دامداری سنتی است و احساس مسئولیت مشترک برای ادامه حیات اجتماع وجود ندارد. این دیالکتیک استبداد است که از متن و بطن جامعه توسط خود مردم رویانده می‌شود. ساخت ذهنی انسان‌ها و حاصل فرهنگ در طول تاریخ این جامعه است که بر واقعیات اجتماعی پوشانیده می‌شود و همچون مستان تصورات خام‌اندیشانه‌ای را واقعیت می‌پندارند.

سر و سنگ، دیوانه و زنجیر: دیوانه نماد انتقاد از جامعه‌ای استبدادزده است این دیوانه به عبارت دقیق‌تر عاقل است، در هر برخوردی نامعقول یا به تعبیری دیگر معقول است. او جامعه را با دید انتقادی کج و معوج می‌نگرد و با کردار شگفت خود آن را صاف می‌کند. هر چند او تباه می‌شود ولی مظهري است از پیش‌آگاهی به آنچه که می‌تواند زندگی باشد. او در تمامی ذهنیت مجنونش در تمام اقدامات تهورآمیزش

روحي كاملاً باثبات دارد يا به بيان دقيق‌تر جنونش ريشه‌اي محكم در خود و در اعمال جسورانه خود دارد و آن را حفظ مي‌كند. ديوانه شخصي است كه وضعيت حاشيه‌اي دارد. اين شخصيت در خدمت اثبات امكان به وجود آمدن آرمان شهري است كه در آن هر كس مي‌تواند نابهنجار باشد و در نتيجه اصل نابهنجار بودن از ميان برمي‌خيزد. شخصيت حاشيه‌اي در جهت نفي نظم اجتماعي مي‌كوشد و تصوري درست از بشر ارايه مي‌دهد. او با وجودي كه متهم و محكوم و محبوس است خود را نيز متهم مي‌كند.



وجودش به منزله محكوميت جهاني است كه نه هرگز آن را ساخته است و نه ذره‌اي از آن را مي‌خواهد. اين نظام حكومتي است كه ديوانه مي‌باشد؛ خون يتيم و پيرزن را مي‌نوشد، اين دنيا واژگون است، عاقل ديوانه است و ديوانه عاقل.

نامه به انوشيروان: شاعر در اين شعر از زبان بزرگمهر با انوشيروان شاه به سخن در مي‌آيد. او قدرت سياسي را در اين شعر مورد نقد قرار مي‌دهد و با نصايح اخلاقي خود سعي مي‌كند آن را اصلاح نمايد. اين شعر نيز از نوع ادبيات گريز است او از زمان حال مي‌گريزد. اما در خفاي اين نمادها ساخت يك حكومت مستبد را به تصوير مي‌كشد كه نفوذ و مشروعيت آن رو به كاهش است. بر خلاف شعرهاي ديگر پروين خواهان در انداختن چنين نظمي نيست تا نظم ديگري جايگزين آن شود و آرمان شهر جديد را پي ريزد. در اين مرحله دستگاه پيچيده نظارت و سلطه اجتماعي و سياسي هر لحظه

بیشتر به تخریب استقلال و کمال می‌کوشد و او ناگزیر به عصر باستان می‌رود. تنها نصایح اخلاقی مد نظر نیست بلکه این خود نمودی از فرهنگ سیاسی جامعه‌ای است که در طول تاریخ شاهد شاهانی بود که با کشتار و قتل عام روی کار می‌آمدند و حقوق رعیت را پایمال می‌کردند و زیردستان سفله می‌پروراندند؛ نشانه‌های بیماری‌های کهن در روابط اجتماعی ایران و پدیده اجتماعی مستمری که به صورت نهاد در آمده بود و پدیده مجرد ذهنی نبود. نحوه ادراک زمان در آگاهی پروین بدین گونه بود که به راحتی به عصر باستان می‌رفت و اشعارش قابلیت تعمیم عام به قدرت‌های سیاسی دیگر را دارا بود.

جمع‌بندی

پس از تشریح زمینه اشعار که در واقعیت تاریخی این دوره در محیط شاعر قرار گرفته بود، تأثیرات این وقایع در اشعار او با نگاه به قالب نمادهای تاریخی از نوع نمادپردازی درون‌متنی بررسی شد و پس از خوانش و طبقه‌بندی، توصیف داده‌ها و تفسیر آنها انجام گردید. در تفسیر نمادین به نمادهایی در شعر برمی‌خوریم که شکل منفعل ندارند و در واقعیت تاریخی قرار دارند و در مجموعه ساختاری بزرگتر تأثیر می‌پذیرند.

کنشگران در موقعیت‌های غیر تردیدآمیز، گرایش به این دارند که به الگوهای واکنش عاداتی توسل جویند، پروین نیز به الگوهای عاداتی چون سکوت، گریز و پذیرش تقدیر متوسل شده بود اما این اندیشه در طول مراحل از مکان‌های تاریخی گذر کرده و اندیشه تقدیرگرایی و درونگرایی شاعر را متحول کرده بود. پروین در طی این تفسیر و برداشت‌های خود به پدیده‌های پیرامونش معنا بخشیده بود و آنها را اموری تردیدناپذیر، قطعی و بدیهی پنداشته بود.

در زندگی روزمره پروین می‌بینیم که چگونه دنیای اجتماعی به طور عادی فعالیت می‌کند، ساخته و پرداخته می‌شود و چه معانی در زندگی به آن داده می‌شود. محدوده معنای تازه همان دگرگونی اندیشه تقدیرگرایی اوست که به انسان‌گرایی منجر شده است. پروین در تقابل با این شرایط شیوه زندگی عامه را بیان می‌کند و گروه‌های

حاشیه‌ای و فرهنگشان را در اشعارش نشان می‌دهد که خواه به دلایل شخصی یا به علت پیوند با گروهی خاص، کاملاً در زندگی اجتماعی سنتی ادغام نشده‌اند. آنان به دلیل وقایع زندگی خود به علت تعلق داشتن به گروه‌های قومی، مذهبی، طبقاتی یا جنسیتی به حاشیه رانده شده‌اند و در زمینه اجتماعی اصلی‌شان ناسازگار مانده‌اند. این گروه‌ها، در شرایط جامعه سنتی، مصادیق جامعه‌پذیری ناقص را، هم در سطح فعالیت آشکار خود و هم در سطح آگاهی باز می‌نمایند. به همین دلیل، نسبت به دیگران از آمادگی بیشتری برای درونی کردن الگوهای جدید برخوردارند. قاعده پذیرش هر یک از این دنیاها متفاوت، پذیرش کارکرد «احکام آغازین» است. تا زمانی که بخواهیم آن را بپذیریم، در این دنیای چندپاره زندگی می‌کنیم و این گستره‌های چندگانه معنایی را واقعیت می‌پنداریم. پروین با طبقه‌بندی غنی و فقیر در دنیای چند پاره مدرنیته به سر می‌برد، سرشت استبدادی نظام شاهنشاهی را گوشزد می‌کرد و پیامدهای آن در اشعارش ظاهر می‌شدند.

منابع

الف) کتاب‌های فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی، مدرنیته ایرانی، تهران: اجتماع (۱۳۸۰).
۲. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز (۱۳۸۵).
۳. ایگلتون، تری، نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز (۱۳۸۰).
۴. باستید، רוژه، هنر و جامعه، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس (۱۳۷۴).
۵. برمن، مارشال، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو (۱۳۷۹).
۶. بیلنگتون، روزاموند و دیگران، فرهنگ و جامعه، ترجمه فریبا عزبدفتری، تهران: قطره (۱۳۸۰).
۷. پیردیگارد، ژان و دیگران، ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا مهدوی، تهران: البرز (۱۳۷۸).
۸. توسلی، غلام عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت (۱۳۷۴).
۹. ریتزر، جرج، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی (۱۳۸۲).
۱۰. علمداری، کاظم، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران: توسعه (۱۳۸۵).
۱۱. علوی، بزرگ، تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران، ترجمه امیرحسین شالچی، تهران: نگاه (۱۳۸۶) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. گلدمن، لوسین، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد پوینده، تهران: هوش و ابتکار (۱۳۷۱).
۱۳. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: دوران (۱۳۷۵).
۱۴. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران جلد اول، تهران: دفتر انتشارات اسلامی (۱۳۶۱).
۱۵. همبلی، گاوین و دیگران، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو (۱۳۷۲).

ب) کتاب‌های انگلیسی

1. Gadamer, Hans-Georg, **Truth and Method**, Translated by Joel Weinsheimer and Dolan G. Marshall, New York: Continuum (1994).
2. Heidegger, Martin, **Being and Time**, Translated by John Macquarrie and Edward Robinson, San Francisco: Harper (1962).
3. Kisiel, Theodore, **The Genesis of Heidegger's Being and Time**, Berkeley: University of California Press (1993).
4. Luhman, Bernasconi, **The Relevance of the Beautiful and Other**, Translated by Nicholas Walker, Cambridge: Cambridge University Press (1986).
5. Balkin, M. Jack, "Deconstructive Practice and Legal Theory", Part III, **The Yale Law Journal**, Vol. 96, No.4 (1997).
6. Mejido, Costoya Manuel, **Beyond Nomo Logical, Hermeneutic, and Dialectical knowledge**, Chile :University of Santiago (2004).
7. Rasmussen, Jens, **Textual Interpretation and Complexity Radical Hermeneutics**, The Danish University of Education Department of Educational Sociology (2002).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی